کارگران جهان متحد شوید !

ارگان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست .۱۵ فروردین ۱۳۹۳ شماره ۱۳۱

بمناسبت سی و پنجمین سالروز انتشار نشریه کار

کار شرط اساسی اولیه برای تمام موجودیت بشر است و این تا آن حد صادق است که باید بگوئیم به یک معنی کار خود انسان را آفرید . بعبارت دیگر کار ، وجه تمایز بین انسان و حیوان را فراهم آورد . در حقیقت تفاوت انسان و حیوان در این است : حیوان صرفا محیط را مورد استفاده قرار میدهد و تغییراتی که در آن بوجود می آورد فقط در اثر حضور اوست . اما انسان توسط تغییراتی که در محیط میدهد آنرا بخدمت اهداف خود در می آورد . انسان ها توسط توام کردن عملکرد دستها ، ارگانهای سخن و مغز ، نه تنها بصورت انفرادی بلکه همچنین در جامعه قادر شدند که عملیات پیچیده تری را انجام دهند و بر هدف های عالی تری دست یابند " " انگلس "

۱۹ اسفند ماه مصادف بود با سی و پنجمین سالروز انتشار نشریه کار ارگان سازمان !

سی و پنج سال پیش در شرایطی حساس از حیات سازمان فدایی کار منتشر گردید . قیام توده های مردم به انجام رسیده بود اما هنوز گرمای آتش قیام در رگهای جامعه جریان داشت و سازمان فدایی به مرحله ای تازه از حیات خویش گام نهاده بود . سیل عظیمی از کارگران و زحمتکشان و روشنفکران جامعه با دل و جان آمال و آرزوهای خویش را در اهداف و آرمانهای سازمان یافته بودند . ستونهای انتشار کار در چنان ایامی پی ریزی گردید . تا زبان و ارگان رهبری مبارزه کارگران و زحمتکشان و روشنفکران جامعه گردد .

رسالتی که طی ۳۵ سال اخیر همواره بر دوش کشیده و به آن وفادار مانده است . و به شکلی اساسی علت وجودی خویش را در به انجام رسانیدن چنین رسالتی میبیند . امیدواریم نشریه کار در سی و پنجمین سالروز انتشار آن بیش از پیش بکوشد تا به ارگان رهبری مبارزه توده های مردم علیه ارتجاع حاکم بر جامعه تبدیل گردد و برای استقرار دمکراسی و سوسیالیسم به مبارزه خویش ادامه دهد و بر رسالت اصلی و اصول همیشگی خویش و آرمانهای توده ها مصر و وفادار بماند .

تحریه ی نشریه کار

اسفند ماه ۱۳۹۲

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) امسال را به تشدید مبارزه علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی تبدیل کنیم !

کارگران پیشرو :

با سازماندهی کمیته های مخفی کارخانه . هسته های سرخ و با تلفیق فعالیت علنی و مخفی . به توده کارگران و زحمتکشان در جهت ایجاد تشکل های مستقل و تحقق خواستهای فوری شان یاری رسانید !

پیام نوروزی سازمان اتحادفدائیان کمونیست

بهاران خجسته باد

کارگران وزحمتکشان!

درپی زمستان سرد، بهار با تمام جلوه های دل انگیزش فرا رسید . نوروز همه مارابرغم مصائب و مشکلات زندگی به جشن وشادمانی فرا میخواند .آغاز بهارو شکفتن طبیعت، نوید میدهند که سرانجام دوران سیاه استبداد و خودکامگی و دوران ستم واستثمار و زور و سرکوب نیز پایان خواهد یافت هرگاه که انسانهای کارگرو زحمتکش بر حقوق ، توانائی ورسالت خود آگاه گردند و برای در دست گرفتن سرنوشت خود، متحدانه به پا خیزند .... **صفحه ۲**

وظائف ما در وضعیت حساس کنونی !

رژیم جمهوری اسلامی با یک بحران عمومی و همه جانبه روبروست . این بحران که تمام جنبه های زندگی اقتصادی – اجتماعی و سیاسی را فرا گرفته است موقعیت رژیم را بیش از پیش متزلزل و پیش شرطهای عینی سرنگونی آنرا هر چه بیشتر فراهم نموده است . اکنون بحران اقتصادی ژرف و مزمن که مادر تمام بحرانهای دیگر جامعه است به درجه ای حدت و شدت یافته که طی سالهای اخیر بی سابقه است . تولید در صنایع و کشاورزی وخیم تر از گذشته شده و رکود موجود عمیق تر گشته است . ... **کمیته کردستان ، صفحه ۳**

آنجا که فولاد آبدیده شد !

زندان نیز دانشگاه انقلاب است . زندان برخلاف آنچه که همواره ازجانب نیروهای بی عمل و بی اراده و ناامید دامن زده می شود میدانی است از میادین پهناور و گسترده مبارزه طبقاتی . زندان مرکزیست از مراکز مبارزه علیه حاکمیت سرمایه و پاسداران نظام سرمایه داری . مرکزی که در آن مبارزه حادتر ، مستقیم و رو در رو است و چهره کریه و نفرت انگیز رژیم سرمایه داری به تمامی و آشکارا در آن خود نمایی میکند . ارتباطات و روابط و مناسبات پرپیچ و خمی که در چهارچوب زندان حاکم است ، عمق ماهیتی را آشکار میسازد که زندگی به ظاهر عادی و بدون تغییر زندانی در زنجیر را نشان می دهد . شکنجه و شلاق هر چه محکمتر باشد به همان اندازه مقاومت بیشتر است . ... **سیامک رضائی ، صفحه ٤**

اطلاعیه احزاب. سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن صفحه ۸

یاد و خاطره فدایی بخون خفته رفیق کبیر بیژن جزنی و آرمانهای والای او ! صفحه ۹

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی .

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !

پیام نوروزی سازمان اتحادفدائیان کمونیست

بهاران خجسته باد
کارگران وزحمتکشان!
درپی زمستان سرد، بهار با تمام جلوه های دل انگیزش فرا رسید . نوروز همه مارابرغم مصائب و مشکلات زندگی به جشن وشادمانی فرا میخواند .آغاز بهارو شکفتن طبیعت، نوید میدهند که سرانجام دوران سیاه استبداد و خودکامگی و دوران ستم واستثمار و زور و سرکوب نیز پایان خواهد یافت هرگاه که انسانهای کارگرو زحمتکش بر حقوق ، توانائی ورسالت خود آگاه گردند و برای در دست گرفتن سرنوشت خود، متحدانه به پا خیزند.
کارگران وزحمتکشان!
وخامت اوضاع اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی ایران که اقلیتی از صاحبان قدرت و ثروت برکشور حاکم کرده اند، برهمه شما آشکار است و نیازی به توضیح مکرر آن نیست، درسالی که گذشت تعرض نظام سرمایه داری ودولت مذهبی سرکوبگر آن برحق معیشت و ایتدائی ترین حقوق سیاسی و اجتماعی مردم ابعاد وسیعی یافت.توده های میلیونی کارگران وزحمتکشان که هم اینک بار اصلی فشار اقتصادی و سیاسی را بردوش میکشند، بارها از طریق اعتصابات ، تظاهرات وتجمعات مکررخود خواستند درمقابل این تعرض وحشیانه به مقابله برخیزند، معهذا این مبارزات همچون سالهای گذشته بدلیل فقدان اتحاد لازم بویژه درمیان کارگران و نبود رهبری مدبرو انقلابی و نیرومند ،هرچند درحوزه هائی توانستند رژیم وسرمایه داران را به عقب نشینی وادارند اما درکلیت خودبه نتایج مطلوب نرسیدند. درحالیکه خواست ها و مطالبات مطروحه چه درعرصه اقتصادی و چه درعرصه سیاسی و فرهنگی و غیره که از سوی کارگران ، زنان ، جوانان و سایراقشار محروم جامعه مطرح شدند ،مطالبات و خواست های توده های کار و زحمت درسرتاسر ایران بودند و مادامی که این مبارزات و درراس همه آنها مبارزات کارگران به هم گره نخورند و قدرت واحدی را به میدان نیاورند، چشم اندازپیروزی قاطع و دگرگونیهای اقتصادی و اجتماعی به نفع زحمتکشان و رسیدن به آزادی و عدالت اجتماعی، محلی از اعراب نخواهد داشت.پایان دادن به این پراکندگی یکی از وظایف مهم واساسی جنبش طبقه کارگر و سایر جنبشهای اجتماعی درسال جدید میباشد. تردیدی نیست که رشد سطح آگاهی و تداوم مبارزات طبقه کار گر و زحمتکشان جامعه نوید بخش آن است که درسال جدید جمعبتدی و درس آموزی از شکست ها و پیروزیهای گذشته، راه غلبه بر مشکلات پیشا روی طبقه کارگر وزحمتکشان جامعه را هموار سازد. برای موفقیت دراین راه میباید تمام کوشش و توان خود را به کارگیریم.
دید و بازدید های ایام نوروزی را غنیمت بشمارید .نوروز وسنت زیبا وپربار دید و بازدید ها فرصت گرانبهائی است تا از مشکلات همدیگر آگاه شویم به ارتقاء سطح آگاهی همدیگر کمک کنیم و راه های غلبه برمشکلات و شیوه های نوین اتحاد و مبارزه را به بحث و مشورت بگذاریم .به دیدار خانواده ها وبازماندگان شهدای جنبش کارگری وسایر جنبش های انقلابی وزندانیان سیاسی برویم و خود را درغم وشادی آنها شریک وسهیم بدانیم.
فرارسیدن نوروز را به همه شما شادباش میگوئیم
نوروزتان پیروز باد
سازمان اتحادفدائیان کمونیست
۲۹ اسفند ۱۳۹۲

نشریه کار کمونیستی ارگان رسمی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست پانزدهم هر ماه زیر نظر شورای مرکزی سازمان منتشر میشود جهت تماس با نشریه و ارائه نظرات . انتقادات و پیشنهادات خود و یا ارسال مطالب برای درج در ستون "دیدگاه ها " با یکی از ایمیل های زیر تماس بگیرید .

kar@fedayi.org
info@kare-online.org

آخرین اخبار و گزارشات . مقالات . اطلاعیه ها و نشریات سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را از سایتهای زیر دریافت کنید :

Www.fedayi.org
Www.kare-online.com

برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از آدرسهای زیر تماس بگیرید :

روابط عمومی
webmaster@fedayi.org
کمیته کردستان
Kurdistan@fedayi.org
کمیته تهران
Tehran@fedayi.org
کمیته کرج
karaj@fedayi.org
کمیته آذربایجان
azer@fedayi.org
امور پناهندگی
panahjo@fedayi.org

وظائف ما در وضعیت حساس کنونی ! کمیته کردستان

رژیم جمهوری اسلامی با یک بحران عمومی و همه جانبه روبروست . این بحران که تمام جنبه های زندگی اقتصادی – اجتماعی و سیاسی را فرا گرفته است موقعیت رژیم را بیش از پیش متزلزل و پیش شرطهای عینی سرنگونی آنرا هر چه بیشتر فراهم نموده است . اکنون بحران اقتصادی ژرف و مزمن که مادر تمام بحرانهای دیگر جامعه است به درجه ای حدت و شدت یافته که طی سالهای اخیر بی سابقه است . تولید در صنایع و کشاورزی وخیم تر از گذشته شده و رکود موجود عمیق تر گشته است . بخش عظیمی از کارخانه ها و دیگر موسسات تولیدی تنها طی یکسال گذشته یا بکلی تعطیل شده و یا تولید آنها به حداقل ممکن کاهش یافته است و پروژه های عمرانی تقریبا متوقف شده اند . کاهش درامدهای دولت از نفت در پی اعمال تحریمها که در اواخر سال گذشته به پایین ترین حد ممکن خود رسیده . این روند از هم گسیختگی اقتصادی را تشدید نموده و به همه عرصه ها بسط داده است . اکنون نه تنها بحران اقتصادی در زمینه های صنعتی و کشاورزی با ابعاد مخربی عمل میکند بلکه در عرصه بازرگانی نیز چنان از هم گسیختگی پدید آورده که در نوع خود کم نظیر است . با کاهش در امدهای ارزی دولت از نفت ، بحران مالی رژیم نیز تشدید شده است ، خزانه دولت کاملا تهی است . انتشار اسکناس بدون پشتوانه مداوما از اعتبار و ارزش پول رایج می کاهد ، سیستم بانکی رژیم با نابسامانیهای غیر قابل تصوری روبروست ، وخامت مالی رژیم بحدی رسیده است که اکنون حتی قادر به تامین هزینه های روزمره ماشین بوروکراتیک نظامی دولتی نیز نیست . تشدید بحران اقتصادی شرایط مادی زندگی عموم توده های مردم را به درجه غیر قابل تحملی وخیم نموده است . موج اخراج های وسیع کارگران منجر به افزایش کم سابقه بیکاران شده است . افزایش روز افزون قیمت کالاها و کاهش مداوم دستمزد واقعی کارگران حتی شرایط زندگی کارگرانی را که مشغول بکارند وخیم نموده به نحوی که قادر به تامین حداقل معیشت خود نیستند . بحران اقتصادی شرایط زندگی دهقانان را نیز وخیم نموده و خانه خرابی آنها را تشدید نموده است . فشار بار بحران اقتصادی هر چند که بیش از همه بردوش طبقه کارگر ، نیمه پرولترها ، دهقانان قرار گرفته ، اما در این حد محدود نشده و شرایط مادی زندگی قشر خرده بورژوازی شهری را نیز وخیم نموده است ، فقر به پدیده ای عمومی و همگانی تبدیل شده است ، علاوه بر این سیاستهای توسعه طلبانه و جاه طلبانه رژیم در منطقه و ادامه پروژه شکست خورده اتمی متعاقب آن تشدید تحریمهای اقتصادی ، شدیدترین فشار را به مردم تحمیل نموده و عظیم ترین مصائب مادی و معنوی را در پی داشته است . رژیم جمهوری اسلامی با ادامه سیاستهای ارتجاعی نه فقط شرایط مادی زندگی توده های مردم را وخیم نموده بلکه ملیونها تن از توده های مردم را را فدای مقاصد جاه طلبانه ، توسعه طلبانه و ارتجاعی خود نموده است . عموم مردم را در اضطراب و دلهره مداوم قرار داده و میلیاردها دلار ثروتهای جامعه را به نابودی کشیده است . شرایط وخیم زندگی توده های مردم و مصائب بیشمار ناشی از جاه طلبیهای رژیم عموم توده ها را به مقابله با رژیم کشانده است . نارضایتی مدام افزایش میابد و اعتراضات ابعاد گسترده تری بخود می گیرند . توسل رژیم به دیکتاتوری عریان و عنان گسیخته و سلب ابتدائی ترین حقوق مردم برای مهار جنبش و سرکوب اعتراض ، نارضایتی توده های مردم را تشدید نموده است . شکاف میان هیئت حاکمه و توده مردم اکنون بمرحله ای رسیده است که جز گروهی مزدور و جیره خوار ، عموم توده ها از رژیم روی گردان شده و خواهان بر افتادن آن هستند . تحت تاثیر مجموعه شرایط اقتصادی – اجتماعی و سیاسی موجود تضاد میان مردم و هیئت حاکمه بشدت حاد شده است . از سوی دیگر انعکاس مجموعه تضادها و بحرانهای موجود در درون هیئت حاکمه و کلیت دستگاه دولتی ، بار دیگر تضادهای درونی هیئت حاکمه را تشدید نموده و شکاف در دستگاه دولتی پیوسته عمیق تر می شود . چندین سال مداوم است که تضادهای درونی حاکمیت تا حد یک بحران فراگیر در درون هیئت حاکمه تشدید شده و شکافهای عمیق تری را پدید آورده است . اکنون نیز با تشدید بحران اقتصادی و سیاسی ، نارضایتی توده ها و بن بست و ناتوانی رژیم در حل تضادهای اجتماعی این بحران هیئت حاکمه مجددا تشدید شده است . دو جناح اصلی حاکم به مقابله آشکار با یکدیگر برخاسته و در درون هر یک از دو جناح نیز دسته بندیهای رنگارنگی شکل گرفته است . هر جناح مدعی حل بحران به شیوه خاص خود می باشد و جناح دیگر را مسئول بحران و وخامت اوضاع معرفی می کند . اما رژیم نه فقط بنا به ماهیت طبقاتی بورژوائی و خصلت مذهبی خود قادر نیست بر این بحران فائق آید بلکه با تشدید بحران سیاسی و اقتصادی موجود با تضادهای حادتری روبرو خواهد بود . تداوم و ژرفا یافتن بحران اقتصادی و سیاسی طی چند سال گذشته و تشدید مداوم این بحرانها نشانگر این واقعیت است که رژیم جمهوری اسلامی نه فقط قادر به تثبیت خود بعنوان یک رژیم بالنسبه با ثبات نبوده و نیست بلکه بیش از پیش با گذشت هر روز ،زمینه های عینی سرنگونی آن بیشتر فراهم گشته است . بحرانهائی که رژیم هم اکنون در عرصه های مختلف اقتصادی – اجتماعی و سیاسی با آن روبروست در عین حال بیانگر این حقیقت است که تضادهای اجتماعی به چنان مرحله ای از رشد و حدت خود رسیده اند که حل نهائی خود را می طلبند ، اما حل این تضادها از طریق رفرم و اصلاحات ناچیز ممکن نیست ، بلکه راه حلهای انقلابی را می طلبند . بدون ابتکار انقلابی توده ای بدون یک دگرگونی انقلابی حل نهائی این بحرانها امکانپذیر نمی باشد ، بدون یک رشته تحولات انقلابی – دمکراتیک و ضد امپریالیستی هیچ تغییر اساسی در وضعیت موجود ممکن نیست . بحران فزاینده جمهوری اسلامی و چشم انداز فروپاشی آن نه فقط طبقات و اقشار انقلابی جامعه را به مقابله با رژیم برانگیخته ، بلکه بخش هائی از بورژوازی را نیز در اپوزیسیون قرار داده است اما تنها طبقات و اقشار معینی در صف آرایی طبقاتی موجود به این تحولات انقلابی علاقمند و در آن ذی نفع می باشند . در راس نیروهائی که خواهان یک رشته تحولات انقلابی – دمکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران هستند ، طبقه کارگر جای دارد ادامه در صفحه ۵

چاره کارگران وحدت و تشکیلات منسجم است !

آنجا که فولاد آبدیده شد !

سیامک رضائی

ای دوست ای برادر زندانی
اینجا میان مسلخ اندیشه وامید
روی فلات خون وفلز وکار
روی کران ماهی ومروارید
دربندر نظامی نفت وناو
درکشتزارهای برنج وچای
درکنارگله وگندم
ما
این بام های کوچک توفان
آهنگ پیش گوئی توفان ناگهان
دربند های سرد قزل قلعه واوین وحصار
زندانیان خسته این خاک نیستیم
زندانیان خسته این خاک دیگرند
زندانیان خسته این خاک
دربندکارخانه وکارستمگرند
انبوه سرخ رنجبران اینجا
زندانیان خسته زندان کشورند
..... سعید سلطانپور

زندان نیز دانشگاه انقلاب است . زندان برخلاف آنچه که همواره ازجانب نیروهای بی عمل و بی اراده و ناامید دامن زده می شود میدانی است از میادین پهناور و گسترده مبارزه طبقاتی . زندان مرکزیست از مراکز مبارزه علیه حاکمیت سرمایه و پاسداران نظام سرمایه داری . مرکزی که در آن مبارزه حادتر ، مستقیم و رو در رو است و چهره کریه و نفرت انگیز رژیم سرمایه داری به تمامی و آشکارا در آن خود نمایی میکند . ارتباطات و روابط و مناسبات پرپیچ و خمی که در چهارچوب زندان حاکم است ، عمق ماهیتی را آشکار میسازد که زندگی به ظاهر عادی و بدون تغییر زندانی در زنجیر را نشان می دهد . شکنجه و شلاق هر چه محکمتر باشد به همان اندازه مقاومت بیشتر است . عمق این ماهیت نیز عمیقتر خواهد شد . در جریان این زندگی خونین ، مقاومتی سر بر میاورد که منشا آگاهی و کینه طبقاتی عمیق و ژرفی میباشد . صنحه های فعالیت گسترده در جریان این زندگی بظاهر ساده ، انقلابیون و کمونیستهای مقاومی میسازد و فولاد را آبدیده خواهد ساخت . مقاومت در برابر شکنجه و شیوه پایداری ، ارتباط با دیگر زندانیان و جریانات سیاسی ، ارتباطات داخلی این جریانات ، ارتباطات زندانیان سیاسی با دیگر زندانیان عادی و غیر سیاسی ، شناسایی آندسته از زندانیایی که به خدمت رژیم در آمده اند . مسئله ارتباط گیری و شیوه و طرق گوناگون آن ، مسئله ارتباط گیری با خارج زندان ، کسب اخبار و ارسال اخبار به خارج زندان ، ملاقات ، بازجویی ، دادگاه ، شکنجه ، برخورد زندانبانان با زندانی ، شیوه برخورد با تغییر رفتار زندانبانان ، تاثیر حتمی و غیر قابل انکار شرایط و اوضاع جامعه بر زندان ، اخذ تاکتیکهای مناسب با تغییر شرایط و اوضاع جامعه ،چشم انداز تاکتیکها ، خنثی نمودن تاکتیکهای زندانبانان ، برخورداری از تجزیه و تحلیل دقیق و صحیح از وقایع جامعه و بسیاری از مسائل صنفی و سیاسی ، اینها تماما صنحه ها و میادین مختلفی هستند که هیچ شکنجه و اذیت و آزاری نخواهند توانست آنرا محدود نمایند . ارتجاعی ترین و وحشی ترین حکومتهای سرمایه داری همانند جمهوری اسلامی تنها خواهند توانست نه ماهیت ، بلکه شیوه های چنین فعالیتی را تغییر دهند . البته چنین ارتباطاتی ، خود بخود از ابتدا و به یکباره بروز نخواهد یافت . بطور مثال ما به یکباره و بدون هیچگونه مقدمه ای و پروسه ای از حرکت بسوی ماهیت فوق الذکر، شاهد شکل گیری یکی از شیوه های ارتباطات نخواهیم بود . بلکه هرکدام از آنان ، چه منفرد و چه در ارتباط با یکدیگر ، محصول پروسه ای از حرکت میباشند ، پروسه ای که دستگیری عنصری انقلابی و مبارز در جریان آن قرار می گیرد . با دستگیری که خود نقطه عطف و شروع چنین حرکتی است ، جریانی روبه رشد بروز میابد . تدریجا عوامل ارتباطات پدیده های زندان در شیوه های مختلف از همان ابتدا در اطراف زندانی و ارتباط او با دیگر ارتباطات جدید شکل خواهد گرفت و در جریان گسترش خویش به زندگی و مبارزه مابین جمعی از زندانیان و مشارکت آنان در پروسه ای از وقایع و مبارزه و مقاومت تبدیل خواهد گشت .تاکنون مجموعه ای از برخوردها که از جانب بسیاری از جریانات سیاسی در ارتباط با مسئله زندان و زندانی سیاسی شده است ، به هیچ شیوه ای پاسخگوی ضروریات نبوده است . ما بیشتر شاهد حرف و حدیث در مورد وحشیگریهای رژیم در زندان ، افشا شکنجه های جلادان جمهوری اسلامی، پایداری و مقاومت زندانیان و قهرمانی و حماسه آنان بوده ایم ، که در شیوه و ماهیت از این محدوده فراتر نرفته است . نه ماهیت ارتباطات تجزیه تحلیل گشته است و نه موضعی تحلیلی مشخص در مورد این مسئله اتخاذ شده است . مقاومت و پایداری زندانیان سیاسی بعنوان جریان و پدیده ای اجتماعی در نظر گرفته شده است . آنچه تاکنون دربرخورد با زندانیان سیاسی رایج بوده ، دو شیوه برخورد است که در ظاهر مختلف بنظر می رسند ، در حالیکه در ماهیت ، بسان یکدیگرند . دیدگاهی با گریه و زاری و غم و اندوه از زندان یاد می کند و زندان را بعنوان شکنجه گاه و محلی ترسناک معرفی می کند که زندگی سیاسی را ویران می سازد و به شیوه ای ترس به دل نیروهای مبارز و انقلابی می افکند که گویا هر دستگیری بمعنای مرگ سیاسی است . تنها حرف چنین دیدگاهی این است که همیشه حرف و حدیث از گذشته و وضعیت زندانهای قبلی زبان میراند و با ارزیابی بدور از عقل و منطق مابین شرایط امروز و شرایط گذشته ، همواره به این نتیجه میرسد که شرایط کنونی زندان ، بیش از این و به هیچ شیوه ای شرایط سازنده ای نیست . دیدگاه دوم ، زندان را محلی میداند جدا از جامعه و انفصال از مبارزه ارزیابی میکند که بایستی اجبارا آنرا طی کرد و این گذران چگونه و به چه شیوه ای باشد از جانب این دیدگاه مهم نیست . برخورد اول دیدگاه از تداوم مبارزه در جامعه در هراس است . سختی و دشواریهای مبارزه دراز مدت را برنمیتابد . قوانین مبارزه طبقاتی را درک نمیکند ، و ضروریات و جهت دار بودن چنین مبارزه ای را نمیشناسد . آن کسانی که زندان را تنها محدود به محل شکنجه میکنند ، میخواهند هرچه سریعتر از سختیها و دشواریها خلاص شوند و نمیتوانند آنها را تحمل نمایند . ترس و هراس چنین جریاناتی از برخورد با مسئله زندان در حرف و حدیث از فرق و جدایی زندانبانان و شیوه های شکنجه و گریه و ناله و غم و اندوه از ضربات کابل و شلاق محدود است . آنها گویا در تعجبند که زندانبانان به چه خاطر شکنجه میکنند ؟ و به چه خاطر با زندانیان بد رفتاری میکنند !؟ این دیدگاه بجای ترویج روحیه مقاومت ، ترس و هراس را گسترش می دهد . انسان به آن فکر می کند که شکنجه تنها ادامه در صفحه ۹

وظائف ما در وضعیت حساس کنونی !

، که اساسا در جهت استقرار سوسیالیسم و برانداختن نظام طبقاتی سرمایه داری حاکم بر ایران مبارزه می کند . این طبقه نه فقط به لحاظ تاریخی و طبقاتی تنها نیروئی است که باید انقلاب دمکراتیک را به فرجام نهائی اش برساند بلکه تجارب و درسهای انقلاب طی چند سال گذشته ، ضرورت رهبری انقلاب را به آن آموخته است . تنها با رهبری طبقه کارگر است که توده های مردم میتوانند مطالبات دمکراتیک خود را متحقق سازند ، به درخواستهای ضد امپریالیستی خود جامعه عمل پوشیده و یک جمهوری حقیقتا سوسیالیستی و دمکراتیک را در ایران پایه گذاری کنند . اما هر چند که طبقه کارگر مصمم ترین و پیگیرترین نیروی انقلاب است ، اما تنها نیروی انقلاب در این مرحله نیست . گذشته از نیمه پرولترهائی که به لحاظ ساختار سرمایه داری حاکم و بحران مزمن کنونی یک نیروی قابل ملاحضه را تشکیل میدهند و نزدیکترین متحد پرولتاریا محسوب می گردند ، اقشار میانی و پایینی خرده بورژوازی نیز که در معرض انواع و اقسام فشارهای سرمایه کلان ، تضییقات و فشارهای متعدد حکومتی و بی حقوقی و سرکوب قرار دارند ، نیروی دیگریست که به تحولات انقلابی –در ایران علاقمند است و در این جهت مبارزه می کند این نیرو هر چند که بنا به ماهیت طبقاتی خود نیروئی ذاتا مردد نا استوار و ناپیگیر محسوب می شود ، اما فشارهای بی حد و حصر رژیم حاکم بر ایران و نیازهای عینی تحولات جامعه که در جهت منافع اوست ، آنرا به سوی انجام این تحولات سوق داده است و تحت رهبری طبقه کارگر میتواند در پیروزی انقلاب سهیم باشد ، از اینرو خرده بورژوازی شهر و روستا نیز در مرحله کنونی انقلاب متحد پرولتاریا محسوب می گردد و در صف انقلاب جای دارد . البته همانگونه که تجربه انقلاب ایران نشان داد تمایل اقشار مختلف خرده بورژوازی به این تحولات نمی تواند یکسان باشد ، در حالی که اقشار پائینی و میانی خرده بورژوازی بیشتر به سمت پرولتاریا و رادیکالیسم گرایش دارند و دمکراتهای خرده بورژوا را تشکیل می دهند ، قشر فوقانی خرده بورژوازی که از رفاه بیشتری برخوردار است و تمایل بیشتری به بورژوا شدن دارد ، فوق العاده متزلزل و محافظه کار است ، به همین علت نیز در صف بندیهای طبقاتی در موضعی بینابینی قرار دارد و فاقد ماهیت انقلابی است . در این میان بورژوازی که در ایران طبقه حاکم را تشکیل می دهد و منافع آن با حفظ نظم موجود مرتبط است ، مخالف جدی و سرسخت هرگونه تحولات انقلابی و دمکراتیک در ایران است . بخش های مختلف بورژوازی علیرغم تضادهائی که با یکدیگر بر سر سهم خود از غارت و چپاول و استثمار دارند در دشمنی با انقلاب و توده های مردم هم عقیده اند . تجربه توده های مردم در دوران حکومت شاه و جمهوری اسلامی این حقیقت را به انها آموخته است . این طبقه به کلی در صف ضد انقلاب قرار دارد و دارای ماهیتی تماما ضد انقلابی و ارتجاعی است . بر اساس این صف بندی طبقاتی هم اکنون احزاب و سازمانهائی شکل گرفته اند که هر یک منطبق بر منافع طبقاتی هر یک از طبقات و اقشار فوق الذکر در مبارزه سیاسی شرکت دارند و از منافع طبقه و یا قشر خود دفاع می کنند . ماهیت طبقاتی این احزاب که بر اساس برنامه و عملکردشان تعیین می گردد نشان میدهد که هر یک از احزاب و سازمانهای سیاسی موجود از منافع کدام طبقه و قشر دفاع می کنند ؟ تا چه حد به تحولات انقلابی – دمکراتیک و ضد امپریالیستی ذی علاقه اند و یا در مقابل آن قرار دارند ؟ هم اکنون در ایران احزاب و سازمانهای مختلفی وجود دارند که عیان و آشکار از حفظ نظام سرمایه داری ، نظم ارتجاعی – بوروکراتیک و دیکتاتوری بورژوازی دفاع می کنند ، این احزاب و سازمانها با تحولات دمکراتیک – انقلابی و ضد امپریالیستی در ایران مخالفند ، منافع انها اساسا در تضاد اشکار با منافع توده مردم قرار دارد و دشمنی خود را با طبقه کارگر و عموم زحمتکشان ایران ، عملا نشان داده اند . این احزاب و سازمانها هر چند ماهیتا هیچ گونه تفاوتی با یکدیگر ندارند و خواستار حفظ نظم موجودند ، اما قشرهای مختلف بورژوازی و یا بخش های مختلف آن را نمایندگی می کنند ، بر این مبنا مدافع تاکتیکهای متفاوتی برای حفظ نظم موجود و منافع طبقه سرمایه دارند ، برخی از تاکتیکهای لیبرالی ، رفرم های ناچیز ، آزادی سرو دم بریده و شکل جمهوری حکومت بورژوازی و برخی دیگر از تاکتیک سرکوب و اختناق ، شکل سلطنتی و یا جمهوری به شیوه اسلامی دفاع می کنند . در یک سوی این احزاب و سازمانهای بورژوائی که اساسا از منافع بورژوازی بزرگ دفاع می کنند ، احزاب و سازمانهای سلطنت طلب و سازمانهای وابسته به جبهه ملی قرار دارند ، و در سوی دیگر این طیف ، نهضت آزادی و سازمان مجاهدین خلق قرار گرفته اند ، همه این احزاب و سازمانها که از منافع طبقه سرمایه دار ، دیکتاتوری بورژوازی ، حفظ نظام سرمایه داری و از بر جای ماندن کلیه نهادهای ارتجاعی – بوروکراتیک دفاع می کنند ، دشمن انقلاب و توده های مردم اند . در طیف احزاب و سازمانهای بورژوائی ، ماهیت بخش عظیمی از انها از جمله سلطنت طلبان و احزاب وابسته به جبهه ملی بر توده های مردم ایران افشا شده است ، آنها فاقد هرگونه پایگاه توده ای اند و نمی توانند به نحو جدی خطری برای جنبش محسوب شوند ، اما بخش دیگری از اپوزیسیون بورژوائی که توسط نهضت آزادی و سازمان مجاهدین خلق نمایندگی می شود با توسل به لیبرالیسم و ادعای آزادیخواهی بیش از تمام احزاب و سازمانهای بورژوائی در تلاشند تا حمایت توده های مردم را بدست اورند ، بورژوا لیبرالها و جریانات رنگارنگی که خواسته ها و منافع انها را

بررسی اوضاع اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و تاریخی ایران و روند تکامل نظام سرمایه داری و اشکال مختلف سیادت سیاسی آن نشان می دهد که نظام سرمایه داری در ایران هر شکل سیاسی ای که بخود بگیرد ، قادر به حل معضلات جامعه در جهت آزادی ، عدالت اجتماعی و رشد و شکوفائی انسانها نیست .

حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست !

نمایندگی میکنند ، می کوشد با حمایت بخشهائی از هیئت حاکمه و از طریق یک تحول مسالمت امیز بدون هرگونه جنبشی که منافع بورژوازی را به خطر اندازد ، قدرت را بدست آورد و با توسل به تاکتیکهای لیبرالی بر بحران موجود فائق آید ، سازمان مجاهدین خلق نیز که اکنون همان سیاست را در دفاع از نظم سرمایه داری ، منافع طبقه سرمایه دار و سرمایه بین المللی دنبال میکند ، به منظور به قدرت رسیدن حتی از تاکتیکهای قهر آمیز استفاده می کرد در تلاش بود و هست که به شیوه خاص خود و با ظاهری رادیکال بر بحرانهای موجود فائق آید . این سازمان که در گذشته یک سازمان دمکرات و مبارز بود و بر همین مبنا نیز هنوز بخشهائی از توده های مردم نسبت به آن متوهم هستند و هنوز در میان بخشهائی از توده های مردم دارای نفوذ و پایگاه می باشد ، در تلاش است که با توسل به شعارهای دروغین و ادعای آزادیخواهی ماهیت بورژوائی و ضد انقلابی خود را بپوشاند و در شرایط اعتلا جنبش با حمایت بورژوازی داخلی و بین المللی در راس جنبش قرار گیرد و " بنام خلق قهرمان ایران " نظم موجود را حفظ کند . بی جهت نیست که امروزه امپریالیستها در رابطه با این جریان سیاست یکی به نعل و یکی به میخ را دنبال میکنند . اخزابی نیز تحت پوشش شعارهای برابری طلبانه خالی از محتوا و اینکه خویش را مارکسیست مینامند در گفتار و کردار و با تهی کردن مارکسیسم از ماهیت انقلابی خویش و رد اصول بدیهی ان در امر انقلاب و پشت امپریالیسم به بهانه ایجاد مدرنیته سنگر گرفته و سعی در به بیراهه کشاندن جنبش انقلابی را دارند و اصولا در جبهه ارتجاع و امپریالیسم و ضد انقلاب ارزیابی میگردند . جریان باصطلاح کمونیسم کارگری بنا به ماهیت طبقاتی خویش و اینکه هیچگاه یک جریان پرولتری نبوده و خاستگاه طبقاتی آن در بدو تاسیس آن دفاع از منافع خرده بورژوازی شهری بوده در این چهارچوب ارزیابی میگردد . این جریان آکسیونیست با طرح تاکتیکهای تهی از خصلت و ماهیت انقلابی و برای کسب حداقل مطالبات دمکراتیک بورژوایی همان بهتر که نقاب از چهره برگیرد و در دشمنی با انقلاب و مبارزه قهرآمیز توده ای شعار سرنگونی را بر طاق نهاده و علمهای رنگارنگ سبز و بنفش را برافراشته نماید . این جریان دقیقا راه حزب توده و اکثریت را ادامه میدهد . احزاب و سازمانهای بورژوائی فوق الذکر همگی مدافع منافع بورژوازی هستند و این طبقه را نمایندگی می کنند . اهداف این سازمانها منطبق بر منافع و اهداف طبقه سرمایه دار و علیه انقلاب و توده های مردم است . بنابراین کلیه این سازمانها ضد انقلابی محسوب می شوند . همانگونه که احزاب و سازمانهای متعددی از منافع بورژوازی دفاع می کنند ، خرده بورژوازی نیز نمایندگان سیاسی خاص خود را دارد و سازمانهای مختلف خرده بورژوائی به حسب برنامه و عملکردشان تمایلات قشرهای خرده بورژوازی را نمایندگی می کنند . بعنوان نمونه کومه له حزب کمونیست ایران که علیرغم توهمات عموم خلقی و مبهم گذاشتن قدرت سیاسی ، خواهان برچیده شدن دستگاه بوروکراتیک و ارگانهای سرکوب و نظامی ماشین دولتی موجود است و از تسلیح عمومی خلق و شوراها دفاع می کند ، تمایل قشرهای پائینی خرده بورژوازی را نمایندگی می کند . و یا پژاک که هر چند همانند کومه له جریانی پرولتری نیست اما در تقابل با دستگاه حاکم بورژوازی منافع اقشار میانی و پائینی خرده بورژوازی شهر و روستاهای کردستان را نمایندگی میکند . سازمانهای دیگر نظیر راه کارگر نیز هر چند ناپیگیرتر از کومه له حزب کمونیست مدافع دمکراسی هستند ، اینان نیز در زمره سازمان های خرده بورژوازی محسوب می گردند که لایه های پائینی و میانی خرده بورژوازی را نمایندگی می کنند . تمام این سازمانهای خرده بورژوائی که به تحولات انقلابی – دمکراتیک و ضد امپریالیستی معتقدند ، جز سازمانهای انقلابی محسوب می شوند ، اما احزاب و سازمانهائی نظیر حزب توده و اکثریتی ها که از جنبه طبقاتی منافع لایه های فوقانی خرده بورژوازی را نمایندگی مینمایند و رفرمیسم و سازش طبقاتی آنها از این سر منشا طبقاتی ناشی می گردد ، نه بیانگر انقلابی گری و دمکراتیسم خرده بورژوازی بلکه نماینده محافظه کاری و سازشکاری آن محسوب می گردند . این سازمانها که با ادعای دروغین دفاع از منافع طبقه کارگر ایفای نقش می کنند، مطلقا فاقد هرگونه ماهیت انقلابی هستند ، اینان به حسب شرایط مختلف سیاسی یا مستقیما در صف ضد انقلاب قرار می گیرند و یا هر لحظه مستعد سازش و خیانت اند ، البته ذکر نمودیم که در چنین طیفی محافلی شسته و رفته و دیسکو نشین هالیوودی همچون محافل موسوم به کمونیسم کارگری و یا حکمتیست و ... جای دارند که بعنوان کارگزاران بورژوازی در راه انقلاب سنگ اندازی میکنند . بنابراین روشن می گردد که در طیف سازمانهای خرده بورژوائی نیز تنها احزاب و سازمانهائی که منافع لایه های پائینی و میانی خرده بورژوازی را نمایندگی می کنند و حامل دمکراتیسم انقلابی هستند دارای ماهیتی انقلابی می باشند . شناخت ماهیت طبقاتی احزاب و سازمانهای موجود بویژه در شرایط کنونی که هر لحظه بحرانهای رژیم حادتر میشود و چشم انداز اعتلا جنبش توده ای نزدیکتر می گردد ، از اهمیت ویژه ای برخوردار است ، چرا که این ارزیابی است که نشان میدهد کدام احزاب و سازمانها از منافع طبقات و اقشار انقلابی دفاع میکنند و خواهان تحولات انقلابی – دمکراتیک و ضد امپریالیستی هستند و کدام یک علیه این تحولات هستند . بر این مبنا طبقه کارگر باید از موضع پافشاری روی دمکراسی انقلابی ، خرده بورژوازی را بخود ملحق سازد ، لیبرالیسم و رفرمیسم را منفرد نماید ، جمهوری اسلامی را سرنگون کند و انقلاب را به فرجام پیروزمندش برساند . در جهت تحقق این استراتژی وظیفه سازمان ماست که مقدم بر هر چیز در جهت سازماندهی طبقه کارگر تلاش کند ، تا این طبقه بتواند وظایف انقلابی خویش را به انجام برساند . هر چند طبقه کارگر طی سالهای پر فراز و نشیب اخیر و در بطن یک رشته مبارزات حاد

کارگران پیشرو : با اتخاذ شعارهای تاکتیکی . ماهیت ناپیگیر روشهای . روشهای تاکتیکی و شعارهای برنامه ای احزاب و دستجات اپوزیسیون بورژوایی را افشا کنید !

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، زنده باد سوسیالیسم !

طبقاتی ، تجارب بسیار گرانبها و ارزشمندی آموخته و به آگاهی قابل ملاحظه ای دست یافته است ، اما هنوز از تشکل لازم برای رهبری بلا منازع انقلاب برخوردار نیست . دیکتاتوری عریان و عنان گسیخته رژیم پس از دهۀ ۶۰ ضربات جدی به تشکلهای طبقاتی این طبقه وارد اورده است ، از اینرو مسئله سازماندهی طبقه کارگر اساسی ترین وظیفه ایست که در برابر سازمان ما قرار گرفته است . این سازماندهی قبل از هر چیز مستلزم سازماندهی آگاه ترین و پیشروترین بخش کارگران در تشکل های حزبی ، در هسته های سرخ سازمانی است . اما ما در حالی می توانیم در انجام این وظیفه خود موفق باشیم که از تجارب گذشته بیاموزیم و سبک کار و شیوه سازماندهی خود را اصلاح کنیم . سازماندهی و رهبری مبارزه طبقاتی کارگران بویژه در شرایطی که دیکتاتوری عریان و عنان گسیخته بر ایران حاکم است و هرگونه فعالیت سیاسی کارگران با شدت سرکوب می گردد ، مستلزم ایجاد یک تشکیلات مستحکم ، مخفی ، منضبط و پایدار در میان کارگران است ، که ادامه کاریش در مبارزه تضمین شده باشد و پایه آنرا انقلابیونی تشکیل دهند که در فن مبارزه با پلیس مهارت داشته باشند و اصول و قواعد پنهانکاری را بدقت بکار می گیرند . چنین تشکیلاتی بجای گسترش سطحی ، به فعالیت عمقی می پردازد و بجای تکیه بر کمیت به کیفیت اتکا می کند و هسته های سرخ کارگران را بر اساس گزینش بسیار دقیق اعضا آنرا سازمان میدهد . تشکیلاتی که بخواهد به عنوان تشکیلات پایدار و ادامه کار در میان کارگران فعالیت کند ، و طبقه کارگر را سازماندهی کند ، بایست اکیدا به سبک کار و شیوه فعالیت پرولتری متکی باشد ، به کار و فعالیت ، متین ، پیگیر و ادامه کار بیاندیشد ، از حرکتهای مقطعی ، عجولانه و تبلیغات گرایانه بپرهیزد و بجای اینکه در پی خودنمائیهای خرده بورژوائی باشد و بخواهد بهر شکل ممکن حضور و فعالیت خود را نشان دهد به سازماندهی یک تشکیلات مستحکم در میان کارگران بیاندیشد . بنابراین سازمان ما با درس گیری از گذشته و تصحیح جدی سبک کار و شیوه فعالیت و سازماندهی خود می باید وظیفه خود را در امر سازماندهی کارگران از طریق ایجاد هسته های سرخ در کارخانه ها و محلات زحمتکش نشین ایفا نماید ، البته سازماندهی کارگران در تشکل های کمونیستی هر چند به ویژه در مقطع کنونی یکی از مهمترین وظایف ما در زمینه سازماندهی کارگران محسوب می گردد ، اما تنها وظیفه ما در این زمینه نیست . سازماندهی کارگران در تشکلهای غیر حزبی یکی دیگر از وظائف ماست . رژیم سرکوبگر و ارتجاعی جمهوری اسلامی کارگران ایران را حتی از تشکلهای صنفی خود محروم نموده است ، اما شرایط زندگی و فعالیت طبقه کارگر مداوما این طبقه را به سوی تشکل و همبستگی سوق میدهد . مبارزه کارگران علیه سرمایه داران آنها را ناگزیر می سازد که متشکل عمل کنند ، امروز با توجه به دیکتاتوری و اختناق حاکم بر ایران و در عین حال چشم انداز اعتلا قریب الوقع جنبش و نیز با توجه به تجارب بین المللی طبقه کارگر مناسب ترین شکل تشکل غیر حزبی کارگران ، کمیته های مخفی کارخانه است ، بنابراین عناصر پیشرو کارگری ، فعالین و هواداران سازمان در کارخانه ها باید در جهت ایجاد این کمیته ها تلاش کنند . البته اهمیتی که با توجه به مجموعه شرایط موجود و چشم انداز آینده جنبش برای کمیته های مخفی کارخانه قائلیم ، به معنای نفی دیگر تشکل های غیر حزبی کارگران نیست . باید از هر تشکل قانونی و غیر قانونی ، و در هر کجا که امکان برای متشکل کردن عمومی کارگران وجود دارد استفاده کرد . مسئله اساسی برای ما متشکل ساختن کارگران و زحمتکشان است . سازماندهی طبقه کارگر هر چند اساسی ترین و مهم ترین وظیفه ماست ، اما تنها وظیفه ما نیست . در شرایطی که چشم انداز اعتلا جنبش توده ای ، و احتمال یک قیام وجود دارد یکی دیگر از وظائفی که در برابر ما قرار گرفته است ، تلاش در جهت کسب توافق و ائتلافهای دمکراتیک با دمکراتهای انقلابی در بیان خواسته ها و مطالبات دمکراتیک و مشخصا در جهت سرنگونی رژیم است . اگر پیروزی انقلاب دمکراتیک در ایران منوط به این است که طبقه کارگر با خرده بورژوازی برای سرنگونی رژیم و استقرار یک رژیم دمکراتیک متحد گردد ، سازمان ما باید در این زمینه نیز تلاش کند ، و در جهت ائتلاف و اتحاد عمل با دمکراتهای انقلابی علیه جمهوری اسلامی بکوشد . حفظ استقلال طبقاتی کارگران و دفاع از برنامه و تاکتیکهای پرولتری به هیچ وجه نافی این اتحاد عملها و ائتلاف ها با سازمانهای دمکرات و انقلابی نیست . ما باید در عین افشا ماهیت سازمانهای خرده بورژوائی ، و مرزبندی ایدئولوژیک – سیاسی با آنها ، در جهت ائتلاف ها و اتحاد عملهای اصولی که متضمن دفاع از برنامه انقلابی پرولتاریا باشد اقدام کنیم ، کم بها دادن به این امر نه فقط منجر به انفراد طبقه کارگر خواهد شد ، بلکه زمینه را برای نزدیکی سازمانهای دمکرات و انقلابی به لیبرالها و سوسیال – رفرمیستها هموار خواهد ساخت . شرایط فوق العاده تعیین کننده ای در پیش است هر روز که بگذرد بحران اقتصادی و سیاسی موجود ژرفتر می گردد . تضادها به سر حد انفجار نزدیکتر می شوند . احتمال وقوع یک قیام در این بحران و جنگ احتمالی و حتی پس از آن به امری جدیتر تبدیل می گردد. وظیفه تدارک برای یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه ، وظیفه ای بسیار مبرم است . سازماندهی طبقه کارگر و زحمتکشان و تلاش در جهت کسب توافق و ائتلاف با دمکراتهای انقلابی به مثابه تدارک سیاسی قیام از اهمیت ویژه ای برخوردار است . بر مبنای آنچه که در تحلیل وضعیت کنونی و چشم انداز تحولات سیاسی اند ، باید تمام نیرو و امکانات مان را در جهت سازماندهی توده ها برای انجام قیام سراسری مسلحانه و اعتصاب سیاسی عمومی بکار گیریم ، به طرح شعارهای بلاواسطه انقلابی بپردازیم ، خواستهای روزمره را با شعارهای مستقیما انقلابی همچون سرنگونی جمهوری اسلامی پیوند دهیم . توده مردم را حول برنامه دمکراتیک که بیانگر اساسی ترین مطالبات دمکراتیک – ضد امپریالیستی و رفاهی آنهاست ، به مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری فدراتیو شورایی فرا خوانیم ، بی ثمری رفرمیسم و درخواست اصلاحات نا چیز را به انها نشان دهیم و متقاعدشان سازیم که بدون سرنگونی جمهوری اسلامی و انجام یک رشته تحولات انقلابی ، تحقق دمکراسی و رفاه عمومی ممکن نیست . نشان دهیم که انقلاب راه حل قطعی همه بحرانهاست .

کار ، مسکن ، آزادی ، جمهوری فدراتیو شورائی !

معیار آزادی جامعه، آزادی زن است !

اطلاعیه احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

بیش از صد و سی سال از روزی که زنان کارگر کارخانجات نساجی در نیویورک، در اعتراض به سختی شرایط کار و نازل بودن سطح دستمزدهایشان به اعتراض برخاسته و در برابر سرمایه شوریدند می گذرد. زنانی که گرامیداشت رزمشان بنیان هشت مارس، روز جهانی زن قرار گرفت.

هر سال هشت مارس فرصتی است تا تغییر و تحولات سالانه در رابطه با رفع تبعیض جنسیتی را مرور کنیم. به جرات میتوان گفت؛ که مدتهاست نه تنها قدمی عملی در جهان بسود زنان برداشته نشده است، بلکه سیاست ریاضت اقتصادی نیز ستم جنسیتی را پر رنگ تر کرده، شدت استثمار را افزوده، مزد ها را پایین تر و اختلاف دستمزد برای زنان افزایش یافته است. کاهش و یا نبود امکانات اجتماعی تاثیر مخربی بر زندگی زنان داشته است. این روند در کشورهای عقب نگه داشته شده که عمدتا از طریق نیروی کار ارزان در صحنه بازار رقابت می کنند، به نحو فاجعه باری سرعت گرفته است.

برای آنکه بتوان از دیدگاه ترقی خواهانه یک زن وعمدتا زنان کارگر و زحمتکش به جهان نگریست، کافی است عمده ترین تحولات اخیر را در رابطه با زنان مورد بررسی قرار داد. خیزش های توده ای از قیام بهمن گرفته تا مبارزات در مصر، تونس و بسیاری از کشورها، علیرغم شرکت وسیع زنان در پروسه اعتراضات اجتماعی، فاقد هرگونه دستاوردی در زمینه آزادی و حقوق برابر برای زنان بوده است. نیاز سرمایه داری به بقای خود در شرایط کنونی استفاده از قدرت بسیج نیروهای هر چه بیشتر ارتجاعی بوده است. به این خاطر تقویت و رشد این نیروها، بیش از هر گروهی زنان و کارگران را بالاخص آماج قرار داده است. ما با چاره جویی های خونین سیستم سرمایه داری برای بقا روبرو هستیم . وقتی که سرمایه داری پس مانده ترین وخوفناکترین نیرو های ارتجاعی را از گورستان تاریخ بیرون آورده است تا از آنان نیرویی دوباره بگیرد وبحران های لاعلاجش را بپوشاند. از اینروست که قربانیان این پروسه هر روز فزونی میگیرند. فقر روز افزون ، اعتیاد و تن فروشی، تجارت سکس و کودکان کار و حمله به هرگونه تجلی آزادی، خونابه این زخم کهن است. هر کارگر و زن آگاهی میداند که برای دخالت در سرنوشت خود باید از باتلاق نظام سرمایه داری، پایی فراتر نهد ودر این صورت خود را در کنار طبقه کارگر خواهد یافت.

در ایران که حکومتی سرمایه داری، مذهبی و میلیتاریستی حاکم است زنان حتی از حق انتخاب پوشش محرومند. قوانینی همچون حمایت از خانواده چند همسری، قانون ازدواج با فرزند خوانده، تفکیک جنسیتی، طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده، حجاب اجباری، نداشتن حق حضانت فرزندان و حق طلاق، سنگسار و غیره، ریسمان هائی هستند که برای هر چه بیشتر به اسارت کشیدن زنان بکار می روند. تلاش بر این است که زنان به عناوین مختلف به پستو ها رانده شوند. مثلا کارهای تولیدی و مونتاژ که درخانه انجام می شود تا بیش از هفتاد درصد از سوی زنان انجام می گیرد. سود بیکرانی که از کار خانگی به جیب سرمایه داری واریز می شود. همراه با تبدیل کردن زنان به نیروی کار ارزان و ارتش ذخیره کار، از جمله منافع رژیمی است که هستی اش را در ضدیت با خواستهای زنان پیوند زده است.

وخیم تر شدن اوضاع پس از روی کارآمدن دولت روحانی از هم اکنون قابل رویت است. تشدید سیاست های هار نئولیبرالیستی، سرکوب داخلی همراه با جلب توجه سرمایه های خارجی در پیش است. زنان در این میان بمثابه نیمی از جامعه، تلاش در سرکوب روزمره را شاهد بوده و هستند. زیرا سرکوب زنان، سرکوب نیمی از جامعه و راهگشای اعمال کنترل بر نیمهٔ دیگر، بر زنان و مردان کارگر معترض و بر کل جامعه است.

آنچه که هستی زندگی زنان، به ویژه اقشار فرودست یعنی اکثریت زنان درسراسر جهان را برجسته میکند مبارزه ای بی امان در تمام لحظات زندگی، از بدو تولد ودر گستره تمامی جهان است و در این میدان زنان ایران به ویژه در رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی هرگز از رزم باز نایستاده اند.

تبعیض جنسیتی و قوانین شرع در پیوند با تشدید استثمار و افزایش فقر چنان وضعیتی را برای زنان ایجاد کرده است که دیگر سخن بر سر چانه زدن، این یا آن حقوق از دست رفته نیست. بلکه سرنگونی انقلابی کلیت رژیم جمهوری اسلامی، اساسی ترین حرکت در جهت رهایی زن محسوب می شود.

برای داشتن دنیایی انسانی و برابر، راهی جز مبارزه برای تشکل یابی و تدارک انقلاب، علیه وضعیت موجود متصور نیست.

زنده باد همبستگی بین المللی با جنبش انقلابی زنان !

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

نابود باد مردسالاری

نابود باد نظام سرمایه داری

زنده باد سوسیالیسم

۸ مارس ۲۰۱۴

امضا کنندگان:

۱- اتحاد چپ ایرانیان در خارج از کشور
۲- اتحاد چپ سوسیالیستی ایرانیان
۳- پیوند در خدمت کمونیستهای ایران
۴- حزب رنجبران ایران
۵- سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
۶- سازمان راه کارگر
۷- سازمان فدائیان اقلیت- کمیته خارج از کشور
۸- سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
۹- شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران- استهکلم
۱۰- کانون همبستگی با کارگران ایران- گوتنبرگ
۱۱- کمیته جوانان بلژیک
۱۲- نهاد همبستگی با جنبش کارگری ایران - غرب آلمان
۱۳- هسته اقلیت

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست یک سازمان کمونیستی و بخشی از طبقه کارگر است که در جنبش آن شکل گرفته و هدف خود را گسترش و تکامل مبارزه طبقه بسمت پیروزی نهائی و ساختمان جامعه سوسیالیستی و کمونیستی قرار داده است ، که در آن وحدت و یگانگی انسان تامین و تکامل هر فرد شرط تکامل همگان است . مبانی سیاسی و خط و مشی آن در برنامه سازمان بیان گردیده است .

پرتوان باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان !

آنجا که فولاد آبدیده شد !

مسئله زندانی سیاسی است . آنهم به آن اندازه از حد تصور به در و طاقت فرسا و ترسناک که غیر قابل تحمل است . این دیدگاه بجای آشکار کردن ماهیت جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی ، ترس و هراس را تبلیغ کرده و به آن دامن میزنند. با چنین برخوردی آنچیزی که در مغز انسان جا میافتد و زندان و شکنجه را مجسم میسازد و آنرا تعبیر می کند ، ترس و هراس از فعالیت مبارزه جویانه است و زندان و شکنجه را در فکر انسان تبدیل به سایه ای سیاه و نفرت انگیز همانند سایه مرگ برسر انسان مبارز میسازد . خوابی مخوف که مانع حرکت بسیاری از افراد مبارز در محل کار و زندگی آنها میگردد . یا به تعبیری همان چیزی که خواست رژیم است و هدف شکنجه های فاشیستی ایجاد چنین ترس و هراسی است . بطوری که توده های مردم همواره در ترس و هراس سرکوب ، شهامت حرکت را در خود نبینند . گویا زندانیان شب و روز در ترس و هراس به خود میلرزند و همواره در فکر خلاصی و رهایی از چنین جهنمی هستند . دیدگاه دوم بطور اساسی زندان را بعنوان مرکز مبارزه معرفی نمیکند ، آنها زندان را بعنوان مکانی به تمامی جدا از جامعه و مسائل مبارزاتی داخل زندان را جدا از مسائل عمومی مبارزه طبقاتی ازریابی میکنند . در حقیقت این دیدگاه در جامعه از مواضع به تمامی اپورتونیستی و فرصت طلبانه منشا گرفته و بسیار طبیعی است افرادی که با چنین دیدگاهایی زمانی که به زندان میافتند در مقابل مسائل زندان بی عمل و پاسیو باشند . و تمامی تلاش آنها به حفظ خویش و نجاتشان از زندان خلاصه شود . این جریانات مردم را به تسلیم و اعتماد به زندانبانان و سازش با شرایط و خفت و خواری تشویق میکنند . این دو دیدگاه در ارتباط با زندان در تشکیل جریان مقاومت زندانیان سیاسی به شیوه ای آشکار نقش مانع و در جریان توبه کردن زندانیان تواب نقش مشوق و تسریع کننده را دارا هستند .

با کمک های مالی خود سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را یاری رسانید .

یاد و خاطره فدایی بخون خفته رفیق کبیر بیژن جزنی و آرمانهای والای او !

30 فروردین سال ۱۳۵٤ رژیم سرکوبگر پهلوی ، رفیق بیژن جزنی و ٦ رفیق دیگر فدایی دیگر فدایی به نامهای مشعوف (سعید) کلانتری ، حسن ضیا ظریفی ، عباس سورکی ، محمد چوپانزاده ، احمد جلیل افشار ، عزیز سرمدی و دو مبارز مجاهد خلق به نامهای کاظم ذوالانوار و مصطفی خوشدل را با اقدامی تروریستی و ناجوانمردانه تیرباران نمود . رژیم شاه ، پس از این اقدام جنایتکارانه ادعا نمود که گویا این مبارزین در حال فرار از زندان کشته شده اند . اما این جنایت رژیم وحشی و سرکوبگر شاه به عاملی تبدیل گردید تا یکی از سیاهترین صفحات تاریخ سراسر دیکتاتوری و خفقان شاه خیانتکار ورق خورد .

رفیق بیژن جزنی یکی از معدود کسانی بود که در طول سالهای متمادی با ارزیابی نتایج شکست جنبش توده ای سالهای ۳۰ تا ۳۲ و همچنین تجربه حزب توده ، فکر بازسازی جنبش کمونیستی ایران در طرح و غالب خط و مشی مارکسیستی – لنینیستی را پراکتیزه کرد و با سازماندهی یکی از گروههای تشکیل دهنده سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ، بی وقفه برای به نتیجه رساندن جنبش نوین کمونیستی در میهنمان را به پیش برد . رفیق بیژن هر چند در زمان اعلام موجودیت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در زندان بسر میبرد ، اما نقش راهنمای خویش در رفع اشتباهات آن ، و در سازماندهی صفوف آن را به بهترین وجه ممکن ایفا نمود . نوشته های تئوریک وی در طول آن سالیان ، زمینه تغییرات و تحولات بعدی سازمان ، و تبدیل آن به جریانی بالنده و بزرگ توده ای در شرایط اعتلای جنبش توده ای بود . هنر بزرگ بیژن ، توان و استعداد او در تشخیص مسائل و بینش عینی در ارتباط با مشکلات بود . که این نیز محصول تجربه حیات مبارزاتی طولانی و اگاهی سیاسی عمیق و ریشه یی وی بود . رفیق بیژن جزنی ، حاصل شرایط و روند رو به رشد مبارزه در دوران خویش بود که به دلیل خیانتهای حزب توده ف جنبش کمونیستی ایران دچار ضربات شدیدی گشته بود . آگاهی از اساسی ترین ضروریات اجتماعی و بهره گیری از تجربیات خونین مبارزه طبقاتی در گذشته ، ضروری ساخت تا برای مبارزه ضد امپریالیستی – ضد دیکتاتوری ، پایه های

جنبش نوین پایه ریزی گردد . رفیق جزنی توانست با آگاهی بموقع از این شرایط ، برای تشکیل سازمانی مبارزه و رزمنده ، با ایدئولوژی مارکسیسم – لنینیسم به این ضرورت تاریخی پاسخ در خور و شایسته بدهد . تلاش بی وقف رفیق بیژن و رفقای گروه جزنی که برخی از این رفقا همراه بیژن تیر باران گردیدند ، در سازماندهی و رشد سازمان ما تاثیر گذار بود . تاثیر و توانایی رفیق بیژن تنها در آگاهی نسبت به ضروریات مبارزه نبود ، علم و اگاهی نسبت به اوضاع اجتماعی و تجزیه و تحلیل شرایط مشخص از دیگر توانائیهای رفیق جزنی بود . اکثر آثاری که رفیق بیژن در زندان نگاشته است ، هنوز هم از منابع مهم تئوریک هستند که مورد استفاده قرار میگیرند . رفیق بیژن برای اثبات ضرورت تلفیق تئوری و پراتیک انقلابی و در پاسخ به فرصت طلبانی که خواهان مراجعت به اصول ساختگی خویش به نام اصول مارکسیستی بودند ، چنین میگوید : »در جا زدن در مرحله آگاهی ، ترس و هراس از عمل و غرق شدن در مسائل صرفاً استراتژیک ، ما را به ورطه محافظه کاری که از خصوصیات اپورتونیسم است خواهد کشاند . «

حقانیت این گفته رفیق بیژن را میتوان در مقایسه گفته وی با گفته آموزگار کبیر مارکسیسم انقلابی لنین مشاهده نمود . آنجا که لنین در اثر خویش به نام دوستان خلق چه کسانی هستند ؟ میگوید »:من با تاکید بر ضرورت اهمیت و گسترش فعالیت سوسیال دمکراتها به هیچ وجه مایل نیستم که بگویم این فعالیت در قیاس با فعالیت عملی در درجه اول و به شیوه اول نمی خواهم بیان کنم فعالیت دوم تا پایان فعالیت اول به تاخیر افتد . این را تنها پیروان اسلوب ذهنی (سوبژ کتیو) در جامعه شناسی یا پیروان سوسیالیسم تخیلی میتواند نتیجه گیری نمایند . بر خلاف انکه به صورتی قطعی در درجه اول قرار داده میشود همیشه فعالیت

گرامی باد یاد و خاطره بخون خفتگان راه آزادی و برابری !

عملی (در زمینه تبلیغ و ترویج) است .«
از نظر رفیق بیژن اساسی ترین عوامل تعیین شیوه های مبارزه عبارتند از : ۱- اوضاع اجتماعی و اقتصادی و ساختار طبقاتی جامعه و تعیین مسیری که جامعه در حال طی آن است . ۲- اوضاع اجتماعی – سیاسی جامعه که عبارت است از تعیین تضاد اصلی جامعه ، شکل حاکمیت و اقدامات طبقات حاکم و امپریالیسم ، میزان قدرت و سازماندهی رژیم ، کمیت و کیفیت جریانات و سازمانهای مبارز توده ای . ۳- شرایط روحیه توده های مردم ، میزان تحرک ، شهامت و روحیه انها برای تهاجم (و یا روحیه تسلیم و نا امیدی انها).٤- رسوم و اشکال مبارزاتی که توده ها از گذشته تاریخی تا حدودی نزدیک در مبارزه علیه دشمن به کار برده اند . ٥- اوضاع سیاسی جهانی و منطقه ای ، کیفیت توازن قوا و عوامل مثبت و منفی در جنبش و آن اشکالی که مبارزه توده های دور و نزدیک سطوح مختلف توده ها انرا تجربه نموده اند . با چنین بینشی و با در نظر گرفتن تاثیر بسزای عوامل روبنایی در تعیین اشکال مبارزاتی رفیق بیژن عدم وجود جنبش توده ای نیرومند و فراگیر را در دوران حاکمیت شاه چنین ارزیابی کرده و میگوید :
« شرایط عینی ، ستونهای اصلی از سری عوامل مؤثر در تحرک و یا ایستایی جنبش انقلابی میباشد . وضعیت نظام تولیدی و میزان رشد و تکامل آن نقش اساسی در حرکت توده های مردم ایفأ میکند . هنگامی که یک نظام تولیدی به نقطهٔ پایان خویش میرسد و به مرز مرگ و انهدام نزدیک میشود و قادر نخواهد گردید تا به نیازهای اقتصادی و اجتماعی پاسخ دهد ، تضادهای ناشی از آن از شکل همزیستی خارج گردیده و در شکل تهاجم خود را آشکار خواهد ساخت . شکل پوسیده و کهن مستقیماً در زندگی توده های مردم تأثیر خواهد گذاشت و آنرا تحمل نخواهد کرد . اصلاحات ارضی و تغییرات رفورمیستی برای پایان دادن به این تضادها و به منظور باز تولید نظم موجود انجام گرفت ، این تغییرات اگر چه منجر به محرومیت بیش از پیش توده های مرم گردید و رژیمی وحشی تر بر مردم حاکم گردید ، اما روند رشد و تکامل جامعه را تسریع نمود و روابط و مناسبات تولیدی جدیدی را مستقر ساخت . همچنین این تغیرات مایه امید زحمتکشان شهر گردید ، رشد تا حدودی سریع تولید صنعتی که پس از این تغیرات روی داد ، نارضایتی عمده دوران پیش از رفرم را موقتاً از میان برد و یا اینکه از آن کاست . برای اینکه نارضایتی فروکش کرده بار دیگر رشد یابد و حتی از قبل نیز بیشتر گسترش یابد ، لازم بود تا سالهای گذار ، پشت سر گذاشته شوند . «
رفیق بیژن به درستی نقش تعیین کننده عوامل عینی را ارزیابی کرده و بر آن تأکید میورزد و ارتباط و تاثیر دو جانبه عوامل ذهنی و عینی ، روبنا و زیر بنا و نقش آنها را نشان میدهد . رفیق بیژن برای نشان دادن تأثیر عوامل ذهنی در کند کردن و یا تشریع عوامل عینی ، چنین میگوید »:نقش دولت در اینجا ، دیکتاتوری رژیم بعنوان عامل ذهنی در تکامل اجتماعی را نمیشود در محاسبه شرایط عینی انقلاب از آن چشم پوشی نمود . رژیم دیکتاتوری عامل کند کننده و ارتجاعی در تکامل جامعه به معنای اخص در ممانعت از رشد و تکامل آشتی ناپذیر توده با دشمن خویش محسوب گردیده و میتواند بر رشد و گسترش تضادها و سطح و ارتقأ تضادها تأثیر گذار باشد ، و به سهم خویش مانع از رشد به یکباره و تعمیق تضادها گردد . رفیق بیژن در ادامه میافزاید : »رژیم دیکتاتوری علیرغم اقدامات سرکوبگرانه و سرکوب قهری قادر نخواهد گردید هرگونه نارضایتی توده ای را منع کند . بخصوص هنگامی که توده های مردم از ستم طبقات حاکم به ستوده آمده باشند . و یا اگر دیکتاتوری رژیم همانند گذشته حاکمیت خویش را به تمامی مستقر سازد و توده های مردم بدون هیچ سازمان شایسته رهبری باقی بمانند و بطور خلاصه اگر شرایط ذهنی بتواند بر شرایط عینی تاثیر گذار باشد، در این حالت تضادهای اجتماعی به صورتی نهفته رشد یافته و در اوضاع و احوال پیچیده و بحرانی و در زمانی که توده های مردم از جان خویش سیر گشته اند ، زمانی که ستم و استثمار دیگر غیر قابل تحمل است ، هر چند که دیکتاتوری بیشتر و قوی تر باشد ، بحران پدیدار گشته و قیامهای کور و یا نیمه اگاهانه جامعه را فرا خواهد گرفت . «
رفیق جزنی با درک ریشه یی از حقایق ذهنی و عینی جامعه و بمنظور تعیین تاکتیکها برای رسیدن به استراتژی مشخص و رد انحرافات چنین میگوید :
« اگر ما ندانیم تاکتیک اصلی (محوری) کدام است ، در عمل دچار خرده کاری شده ، هر روز کار و فعالیت تازه ای کرده و در این حالت دچار زیگزاک زدنهای مداوم و پی در پی میشویم . وظایف اصلی خویش را از وظایف فرعی جدا نکرده و در نهایت در ورطه شک و تردید ، سر درگمی و اپورتونیسم خواهیم افتاد . «
وظیفه مارکسیست – لنینیستها از نظر رفیق بیژن این است که تا زمانی که توفان شروع خواهد شد . توده های مردم را اگاهانه سازند و سازمان دهند ، به تبلیغ و ترویج عقاید و نقطه نظرات بپردازند که از وظایف دائمی آنان محسوب میگردد . انقلابیون مارکسیست – لنینیست علاوه بر مشارکت در مبارزه توده های مردم به دنبال تحقق اهداف فوق هستند . با در نظر گرفتن شرایط ویژه سیاسی برخی اوقات تبلیغ و ترویج در اولویت قرار خواهد گرفت . این ترویج هم دمکراتیک . و هم سوسیالیستی است . تبلیغ و ترویج در اشکال زیادی به انجام میرسد و نمیتوان الگوی از قبل طراحی شده برای آن قائل شد . ابتکار و خلاقیت توده های مردم همیشه اشکال و شیوه های جدیدی از تبلیغ و ترویج را بوجود خواهد آورد . شیوه های تبلیغ بر اساس نظریات ذهنی انسان پیشرو بوجود نیامده ، ساخته و پرداخته ذهن برخی روشنفکران نیست . بلکه به درستی بر اسا شرایط مشخص در مجموعه ای از شرایط سیاسی که بر جامعه حکمفرما است ، استخراج میگردد رژیم بخوبی میدانست فردی را که در ۳۰ فروردین ۱۳۵٤ دست و پا بسته و از پشت تیر باران میکند ، انعکاس تئوری و سیمایی است از جنبش ماد توده های مردم که به نابودی آن کمر بسته است . محروم کردن این جنبش از پیشروان آن ، بی سر کردن سازمان پیشاهنگ آن را حلی بود که شاه جنایتکار و امپریالیسم مدافع او تهدید آینده را با آن پاسخ میدادند .
هر چند که اقدام خرابکارانه آنان ، قادر نگردید خطر را از آنان دور گرداند و جزیره ثبات و آرامش آنان را در بهمن ۵۷ دچار طوفان گردانید ، اما توانست سرعت روند زنده و روبه رشد آنرا کاهش دهد . اما هرگز نتوانست آنرا متوقف نماید .بیژن در این راه قدم نهاد و جای پاهایش همچنان باقی است تا رهپویانش را فرا خواند .راه را نشان داده تا پر از رهرو باشد.
یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

"استادان پر مشغله‌ی دانشگاهها، تکنوکراتها و روشنفکرهای هرزه خوابیده در حالی که از خان یغمای زحمتکشان تا گلو را انباشته‌اند و عملا دست در دست جلادان دستگاه حاکمه‌ی استبدادی دارند، با بزرگواری و سعه‌ی صدر، مارکسیستی رنگ پریده، بی‌رمق و از شدت و حدت افتاده را همچون ابزاری زنگ زده و کند به نمایش می‌گذارند... این توطئه‌ایست علیه مارکسیسم - لنینیسم انقلابی که باید جنبش انقلابی به ریشه کن کردن آن کمر همت ببندد"
(رفیق کبیر بیژن جزنی ، درباره‌ی مارکسیسم انقلابی و مارکسیسم بورژوایی)